

انقلاب اسلامی به روایت تاریخ شفاهی کارگزاران حکومت پهلوی دوم

مهدی فنواتی^۱

چکیده

طی دهه‌های اخیر منابع در دسترس برای نگارش تاریخ، خاصه تاریخ معاصر، تنوع زیادی پیدا کرده و یک مورد از این منابع جدید تاریخ شفاهی است که معمولاً اطلاعات دست‌اول بسیار زیادی، که قابل‌دستیابی در سایر منابع نیستند، در اختیار تاریخ‌پژوهان قرار می‌دهد. از آنجاکه سؤال اصلی این پژوهش آن است که کارگزاران رژیم پهلوی دوم چه نگرش و فهمی از تحولات منتهی به انقلاب اسلامی و آینده جمهوری اسلامی ایران داشتند؟ مصاحبه‌های تاریخ شفاهی کارگزاران حکومت پهلوی که به‌طور عمده در دهه ۱۳۶۰ شمسی انجام شده، حاوی اطلاعات قابل‌توجهی درباره سؤال اصلی این پژوهش است. لذا منبع اصلی پژوهش حاضر مصاحبه‌های انجام‌شده ۳۷ نفر از مقامات حکومت پهلوی در دو پروژه تاریخ شفاهی هاروارد و بنیاد مطالعات ایران است. برای دسته‌بندی و ارزیابی داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است و این روش جهت دریافت الگوهای معنایی مسلط در داده‌های مورد مطالعه کمک بسیاری می‌کند. در نهایت از مجموعه داده‌ها پیرامون سؤال اصلی، چهار مضمون به‌دست‌آمده که نشانگر تحلیل غلط مقامات سابق از ریشه‌های انقلاب اسلامی، عدم درک عبور جامعه از حکومت پهلوی، پیش‌بینی غلط آنها از آینده جمهوری اسلامی و ناامیدی سلطنت‌طلبان از بازگشت به قدرت است..

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، تاریخ شفاهی، تحلیل مضمون، پهلوی دوم، کارگزاران.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد بندرماهشهر، بندر ماهشهر، ایران.

The Islamic Revolution according to the oral history of the agents of the second Pahlavi government

*Mahdi Ghanavati*¹

Abstract

The present study was written with the aim of examining the attitudes and understanding of Pahlavi government officials towards the developments leading to the Islamic Revolution.

In this article, the method of content analysis has been used to systematically extract patterns in oral history data. In this method, there are different bases for categorizing themes, and the findings have been categorized based on a network of themes, namely basic, organizing, and comprehensive themes.

The data extracted from the interviews of Pahlavi government officials have been categorized into four comprehensive themes that reflect the pattern that governs their interviews, and show that there was a wrong analysis of the revolutionary developments in the minds of the officials and that they did not realize the transition of society from their comfortable government until the last days. After leaving the country, they did not show a correct understanding of the developments and were watching for the collapse of the Islamic Republic system in the short term, although they themselves were disappointed with the return of the monarchy to Iran. A correct and accurate understanding of political and social developments is the most important pillar for good governance for officials. In the absence of such understanding, the government will not be able to properly understand its problems and formulate policies to solve them, and as a result, the government will lag behind the developments in society

Keywords: Islamic Revolution, oral history, content analysis, Pahlavi II, agents

1. PhD in History of the Islamic Revolution, Lecturer in the Department of Islamic Studies, Bandar Mahshahr Branch, Azad University, Bandar Mahshahr, Iran.

مقدمه

از گذشته‌های دور تاکنون، برای نگارش تاریخ از منابع مختلف مکتوب و غیرمکتوب بهره برده شده است و هرچه به زمان حال نزدیک‌تر شده‌ایم، منابع تاریخی، تنوع و تکثر فزاینده‌ای یافته است (ملایی توانی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). یکی از جدیدترین آنها تاریخ شفاهی می‌باشد که در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ شفاهی به شیوه امروزی برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ در دانشگاه کلمبیا پایه‌گذاری شد و پس از تشکیل انجمن تاریخ شفاهی در سال ۱۹۶۶ و سپس تأسیس بخش تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۷ وسعت بیشتری پیدا کرد (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۴۶). تاریخ شفاهی بر «گفت‌وگوی آگاهانه و منظم بین دو فرد درباره جنبه‌هایی از گذشته و خاطرات و مشاهدات افراد حاضر و شاهدان یک واقعه» تأکید کرده‌اند و مصاحبه‌کردن و ضبط تجربیات شخصی را شرط اساسی در یک طرح تاریخ شفاهی دانسته‌اند (نورائی و ابوالحسنی، ۲۲: ۱۳۹۴).

پس از سقوط حکومت پهلوی، دو نهاد مجزا در خارج از ایران درصدد برآمدند تا از تاریخ شفاهی جهت ثبت و ضبط تجربیات و اطلاعات مقامات حکومت پهلوی و برخی دیگر از افراد مؤثر در تحولات تاریخ معاصر ایران بهره‌برند. ابتدا مجموعه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد که در ذیل مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه فعالیت می‌کرد از سال ۱۳۶۰ شروع به کار کرد و به‌طور عمده در دهه ۱۳۶۰ با حدود ۱۳۴ نفر از کارگزاران و افراد مؤثر مصاحبه انجام داد. نهاد دیگر، بنیاد مطالعات ایران مستقر در مرلند آمریکا با سرمایه‌گذاری اشرف پهلوی و مدیریت مهناز افخمی نیز از سال ۱۳۶۱ اقدام به ثبت و ضبط خاطرات مقامات حکومت پهلوی نمود. بخش عمده مصاحبه‌ها تاکنون در قالب کتاب منتشر نشده‌اند؛ اما متن پیاده‌شده مصاحبه‌ها در پایگاه اینترنتی رسمی هریک از نهادها قابل دسترسی است.

کارگزاران رژیم پهلوی در مصاحبه‌های خود براساس تجربیات، سوابق کاری، بینش فردی و... اطلاعات متعدد و متفاوتی درباره موضوعات مختلف ارائه کرده‌اند که از زوایای مختلف قابل بررسی هستند. در این پژوهش، با طرح این سؤال به سراغ مصاحبه‌های مذکور رفته‌ایم: کارگزاران رژیم پهلوی دوم چه نگرش و فهمی از تحولات منتهی به انقلاب اسلامی و آینده جمهوری اسلامی ایران داشتند؟

در این مقاله از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی ۳۷ نفر از کارگزاران حوزه‌های مختلف نظامی، دولت، مجلس، دربار و... استفاده شده است. به لحاظ زمانی، ۱۶ مصاحبه تاریخ شفاهی هاروارد و ۱۴ مصاحبه مربوط به بنیاد مطالعات ایران در بازه زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ انجام شده است و ۷ مصاحبه دیگر مربوط به سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ هستند؛ بنابراین عمده مصاحبه‌ها مربوط به سال‌های نخست پس از سقوط حکومت پهلوی است.

پیشینه پژوهش: اخیراً برخی مقالات و کتب در خصوص اهمیت استفاده از تاریخ شفاهی در نگارش تاریخ معاصر به رشته تحریر درآمده است که از آن جمله می‌توان به مقاله «مروری بر تاریخ‌نگاری معاصر و لزوم توجه به تاریخ شفاهی» (رسولی، ۱۳۸۷) یا مقاله «درآمدی بر روش‌شناسی تدوین در تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران» (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶) و کتاب روایت یک فروپاشی (رئیس جعفری، ۱۳۹۹) اشاره کرد. اما بررسی نگرش مقامات حکومت پهلوی به تحولات انقلاب اسلامی تاکنون مورد توجه نبوده و از این بابت مقاله حاضر موضوع جدیدی را با استفاده از تاریخ شفاهی مطرح و بررسی نموده است.

روش پژوهش: برای تنظیم و سازمان‌دهی داده‌های این پژوهش، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. این روش کمک می‌کند نقاط مشترک موجود در داده‌های تاریخ شفاهی استخراج شود. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (ذکایی، ۱۳۹۹: ۸۵-۸۴) و هدف آن دریافت الگوهای معنایی مسلط در داده‌های مورد مطالعه است. در این روش، مضمون یا تم حاوی اطلاعاتی درباره سؤالات تحقیق است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹) و تکنیک اصلی در این روش، تکنیک «مقوله‌بندی» است. در مرحله اول، تم‌ها یا مضامین مهم از متن استخراج شده و بعد ذیل یک سری مقولات کلی، نام‌گذاری و دسته‌بندی می‌شوند. سپس مقولاتی که به لحاظ مضمونی با هم قابل جمع هستند، ذیل یک مقوله قرار می‌گیرند و محقق به چند مضمون محدود اصلی می‌رسد که هرکدام زیرشاخه‌های خاص خود را دارد. با این روش متن پژوهش به هرم یا منظومه‌ای از مقولات مرتبط به هم تبدیل شده و روایتی منسجم از موضوع پژوهش ارائه می‌شود.

تبدیل متن به مضمون پایه: در روش تحلیل مضمون، مبانی متفاوتی برای دسته‌بندی مضامین وجود دارد، که در پژوهش حاضر جایگاه مضامین در شبکه مضامین مبنای دسته‌بندی است که براین اساس با سه نوع مضمون پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر سروکار خواهیم داشت. مضمون پایه نکات کلیدی موجود در متن (شیخ‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵) و مرتبط با سؤال پژوهش است که باید شناسایی و استخراج شود. به تعبیری، مضمون پایه منعکس‌کننده آن چیزی است که در داده‌ها مشاهده شده و به این دلیل ممکن است مضامین خصلت تکرارشوندگی داشته باشند (جاویدی و بهروزی، ۱۳۹۵: ۱۰). در مرحله شناسایی مضمون پایه بایستی به اطلاعات موجود در متن وفادار بود؛ اگر در این مرحله، انتزاعی نمودن مضامین انجام شود وفاداری به متن کاهش می‌یابد (ذکایی، ۱۳۹۹: ۹۸) و این امر زیننده یک پژوهش تاریخی که در پی نشان‌دادن امر واقع می‌باشد، نیست. لذا در جدول زیر نکات مرتبط با سؤال پژوهش از مصاحبه‌های مقامات رژیم پهلوی استخراج شده است.

جدول تبدیل متن به مضمون پایه

تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران		
متن	راوی	مضمون پایه
نسبت به ساقط کردن رژیم فعلی خوش‌بین هستم. اگر در ادارات و مؤسسات اعتصاب کلی صورت نگرفته است به دلیل ترس از پاسدارها و کشت و کشتاری است که رژیم خواهد کرد.	علی امینی: نخست‌وزیر	<input checked="" type="checkbox"/> خوش‌بینی به سقوط نظام ج.ا <input checked="" type="checkbox"/> مخالفت کارکنان دولت با نظام ج.ا <input checked="" type="checkbox"/> ترس مانع اعتصاب کارکنان
من در حال ایجاد یک ائتلاف بزرگ برای برانداختن حکومت خمینی هستم و تمام هم خود را روی این کار گذاشته‌ام و حتی حاضریم با سایر گروه‌های اپوزیسیون برای این کار	علی امینی	<input checked="" type="checkbox"/> ادعای علی امینی به تلاش برای ایجاد ائتلاف بین اپوزیسیون برای براندازی نظام ج.ا

		همکاری کنم.
<p>پایداری <input checked="" type="checkbox"/> عدم حکومت روحانیت <input checked="" type="checkbox"/> خاتمه حکومت ج.ا بعد از وفات آیت الله خمینی</p>	<p>اشرف پهلوی: عضو خاندان سلطنتی</p>	<p>ایران هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه دوباره برگردد سلطنت به ایران. چون شنیده‌اید که می‌گویند خدا شاه میهن. ... با این وضع نمی‌تواند بماند حکومت ترور و کشتار دوام ندارد. اگر روس‌ها پیش‌دستی نکنند و مملکت را نگیرند و یا اینکه سلطنت برگردد شق سومی وجود ندارد. بعد از مرگ خمینی آخوند دیگر نمی‌تواند دوام بیاورد.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم پیش‌بینی سقوط حکومت پهلوی در نتیجه بروز بحران در سال ۵۷</p>	<p>اشرف پهلوی</p>	<p>هنوز آن قدر سخت نشده بود و هنوز هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که کار به اینجا بکشد و فکر می‌کردند که یک راه‌حلی پیدا می‌شود در هر صورت دیگر فکر بیرون آمدن از مملکت اصلاً نبود.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم باور کارگزاران به سقوط حکومت در نتیجه اعتراضات <input checked="" type="checkbox"/> عدم اشراف کارگزاران حکومت بر ابعاد پیچیده انقلاب</p>	<p>ابوالفتح اردلان: معاون طرح نیروی دریایی</p>	<p>اگر کسی گفت این اوضاع را پیش‌بینی می‌کرده، دروغ است هیچ‌کس این اوضاع را پیش‌بینی نمی‌کرد. اشکال هم بود که نصیحت‌هایی که می‌دادند همه در جهتی بود که با این‌ها مدارا کنید، کنار بیایید یک خورده یواش بیایید که برعکس این‌ها را جری کرده بود. البته شاید اگر من هم همان موقع نصیحت می‌دادم همین را می‌دادم برای اینکه ما خیال می‌کردیم واقعاً به بازرگان داریم آوانتاژ می‌دهیم؛ به آقای سنجابی داریم آوانتاژ می‌دهیم.</p>

<p><input checked="" type="checkbox"/> انکار نقش حکومت در کشتار مردم در ۱۷ شهریور ۵۷</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> انکار مبارزه مردمی علیه حکومت و انتصاب مخالفت‌ها به عناصر فلسطینی</p>	<p>ابوالفتح آتابای: عضو وزارت دربار در مناصب مختلف</p>	<p>یک عده رجاله و اوباش این اواخر افتادند توی کار پایین شهر و این‌ها عده زیادی فلسطینی آورده بودند این هم که می‌گویند اویسی کشت اویسی مردم را نکشت آن نوری کشت او فلسطینی‌ها را گذاشت بالای پشت‌بام... گفت بگویند سربازها مردم را زدند.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> آگاهی سطحی اعضای خاندان سلطنتی از فضای انقلابی موجود در جامعه</p>	<p>غلامرضا پهلوی: عضو خاندان سلطنتی</p>	<p>سؤال: این دوران آخر چه؟ والا حضرت متوجه بودید که چه دارد می‌شود؟ کی متوجه شدید؟ جواب: والله البته ما درست متوجه نبودیم که در زیر کار چه اتفاقی می‌افتد فقط این است که مملکت متشنج شده. البته این تشنجات کم‌وبیش یکی دو سال بود انجام می‌شد و ما تقریباً یک نوع عادت کرده بودیم. با خیال راحت در اواخر مرداد اوایل شهریور ۵۷ از مملکت آمدیم بیرون و تمام زندگی را همان‌طور گذاشتم به هوای همیشه، آمدیم بیرون. چون یکی دوتا برنامه بود، در خارج می‌بایستی انجام می‌شد و روی این اصل عادی از اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد با بچه‌ها آمدیم به خارج برای تابستان.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم طرح موضوع نارضایتی اجتماعی در جلسه هیئت دولت در زمان آموزگار</p>	<p>غلامرضا جهانشاهی: نماینده مجلس و وزیر</p>	<p>سؤال: آن دورانی که در دولت بودید صحبتی از مقاومت روحانیون یا التهاب در آن گروه‌ها نشد؟ جواب: ... هیچ وقت مطرح نشد حتی توی آن</p>

	بازرگانی	جلسه‌ای که خلاصه هیئت دولت بود در حضور اعلیحضرت تشکیل می‌شد، آنجا هم هیچ‌وقت این مسائل مطرح نمی‌شد یک ناامنی هست نارضایتی هست شلوغی هست فلان هست، فلان هست.
<input checked="" type="checkbox"/> حیرت‌زدگی برخی کارگزاران حکومت از کثرت مخالفان	هم‌روحي: دبیرکل سازمان زنان	ولی چیزی که مرا حیرت زده کرده بود و واقعاً آمادگی برایش نداشتم آن تظاهرات یک میلیونی بود واقعاً اینکه می‌گویند میلیون میلیون بود یعنی شما فکر کنید که از میدان مثلاً ژاله تا شهیاد به عرض خیابان به‌صورت فشرده آدم بود که دنبال این مسئله می‌رفت و آن‌وقت فهمیدیم که اگر واقعاً قرار است رژیم این‌همه مخالف داشته باشد کارش تمام است.
<input checked="" type="checkbox"/> عدم پیش‌بینی وقوع انقلاب و استقرار حکومت دینی توسط برخی نمایندگان مجلس شورای ملی	مظفر جندقی: نماینده مجلس	سؤال: از کی احساس کردید وضع مملکت به‌طور خطرناکی به هم می‌خورد؟ جواب: شاید از جابه‌جا شدن هویدا و شاید من از نظر خودم هیچ‌وقت یک حزبی شدن را نتوانستم توجیه کنم... ولی به نظر من از همان‌جا کار راه افتاد و ای بسا که تغییر هویدا یک علامتی بود که چیزی دارد پیش می‌آید. فکر می‌کنم تا این اواخر هم عده زیادی پیش‌بینی نمی‌توانستند بکنند. خود من که این‌طوری شد امکان نداشت بتوانم فکر کنم... . که فردا این‌طور اینها مستقر بشوند
<input checked="" type="checkbox"/> بروز نارضایتی در	عباس غفاری:	سال‌های اخیر که به ایران رفتیم همه اعتراض

<p>بین لایه‌های مختلف جامعه در سال‌های منتهی به انقلاب</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> احساس عدم رضایت در منتفعین از حکومت پهلوی</p>	<p>سرپرست دفتر شرکت نفت در آمریکا</p>	<p>داشتند حتی کسانی که از رژیم نفع می‌بردند همه فحش می‌دادند همه بد می‌گفتند یک عصبیانی در بین مردم تولید شده بود این حس عصیان از کارگر تا کارمند تا رئیس اداره تا وزیر تا بازرگان تا رئیس صنعت در همه دیده می‌شد، نتیجه‌اش را هم آخر دیدم که چه انفجاری تولید کرد</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم وجود حس «در حال سقوط بودن» حکومت پهلوی در کابینه ازهارای سه ماه قبل از وقوع انقلاب</p>	<p>امین عالی‌مرد: معاون وزیر کشور</p>	<p>حتی تا آخر نخست‌وزیری ازهارای هرگز این احساس به من دست نداد در جلسات هیئت دولت که وضع مملکت طوری است که آن رژیم مضمحل شدنی از بین رفتنی است. من در آن جلسات شرکت می‌کردم فکر می‌کردم که خوب بعضی از ماها بدبینانه فکر می‌کنیم. برای اینکه هیچ نوع اطلاعی هیچ نوع گفتاری که مبتنی بر این باشد که پایه‌های نظام موجود متزلزل شده و از بین رفتنی است یا انقلابی در جریان است... هرگز یک همچین احساسی نبود</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> انکار وجود خطر برای ثبات حکومت پهلوی توسط ازهارای</p>	<p>ایرج گرگین: مدیر ارشد تلویزیون</p>	<p>از این جلسه بگذریم که یک مقدار حرف زدیم و آقای ازهارای گفت نه من با کمال قدرت نشستم و اینجا هیچ مسئله‌ای نیست، خطری نیست.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> برنامه‌ریزی دول خارجی مخالف پیشرفت ایران برای ایجاد انقلاب</p>	<p>هوشنگ فرخان: عضو</p>	<p>انقلاب در ایران طبق یک برنامه به‌وسیله کشورهایی که نمی‌خواستند ایران ترقی کند انجام شد. البته فقط مسئله نفت به‌تنهایی نبود</p>

<p>علیه شاه</p>	<p>هیئت‌مدیره شرکت نفت</p>	<p>بلکه زمینه‌های ترقی یعنی پول، امکانات و نیروی انسانی فراهم بود</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> ضعف و عدم لیاقت مخالفین خمینی در خارج از کشور بر اساس مشاهدات برخی کارگزاران</p>	<p>پروین مؤید ثابتی: عضو شورای مرکزی سازمان زنان ایران</p>	<p>- زمانی که از کشور خارج شدم چون عادت داشتم کار کنم رفتم توی گروه مخالفین خمینی. سه سال فعالیت کردم ولی باید اذعان کنم که این قدر همه نالایق بودند این قدر اپوزیسیون ضعیف بود که دیدم جز اینکه حرص بخورم فایده ندارد، آمدم بیرون.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> به خطر افتادن منافع برخی دول خارجی به دلیل اقدامات شاه در عرصه تجارت نفت <input checked="" type="checkbox"/> تأکید شاه بر آگاه‌سازی مردم در برابر توطئه‌های احتمالی شرکت‌های نفتی در ایران در آغاز دهه ۵۰</p>	<p>قاسم معتمدی: وزیر علوم</p>	<p>عامل دوم سقوط هم را در نفع دول خارجی می‌بینم. در سال ۵۰ یا ۴۹ در کنفرانس رامسر اعلیحضرت شروع به گله گذاری کرد آن وقت نفهمیدیم وقتی موضوع را در خارج بحث کردیم معلوم شد نظر این بود که ما الان داریم در کار نفتی اقداماتی می‌کنیم منافع خیلی‌ها در خطر است و اگرچند شرکت نفتی تصمیمی بگیرند اقدامی کنند با ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار مملکت را از بین می‌برند مگر اینکه مردم آگاه باشند</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> باور برخی از چهره‌های دانشگاهی به وجود حمایت مردمی از شاه در دی ۵۷</p>	<p>قاسم معتمدی</p>	<p>۱۵ یا ۲۰ روز قبل از رفتن شاه حدود ۲۰ نفر از روسا و اساتید دانشگاه‌ها دیدار شاه رفتیم و گفتیم از کشور خارج نشوید و «بدانید همه مردم در پی ایشان هستند»</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم درک نارضایتی موجود در جامعه توسط</p>	<p>یزدان نویسی: عضو گارد</p>	<p>شاه نارضایتی مردم را احساس نکرد این تز من است شاه گول خورد. هم گول مردم و هم</p>

<p>شاه به دلیل عدم ارتباط مستقیم با مردم <input checked="" type="checkbox"/> باور غلط شاه به حمایت مردمی از حکومت</p>	<p>شاهنشاهی</p>	<p>گول دولت را، مثلاً دولت درآمد سرانه را واقعی اعلام نکرد به ایشان. مردم را هم خودشان می‌دیدند شما هم می‌دیدید من هم می‌دیدم در این تلویزیون توی این سینما... شما هم غیر از این احساس نمی‌کردید که مردم دوست دارند. آن از گزارشها و این هم از مردم. شاه اینجا یک خرده گول خورد</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> پشیمانی جامعه ایران از انقلاب ۵۷ و میل به بازگشت به دوران رژیم سلطنتی در سال ۱۳۶۱</p>	<p>داریوش همایون: وزیر اطلاعات و جهانگردی</p>	<p>چهارسال پیش ایرانی ها ۱۸۰درجه تغییر جهت دادند و از سلطنت و پادشاه و پهلوی به خمینی و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی گرایش پیدا کردند الان بعد از نمایی که خمینی داده من تقریباً تردید ندارم که اگر امروز از ایرانیها پرسند که دو انتخاب بیشتر ندارند: یا بازگشت به دوره شاه با همه خصوصیت خوب و بدش یا ادامه وضع کنونی با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش؛ تردید ندارم اکثریت بزرگی از آنها رای خواهند داد که همان رژیمی که چهارسال پیش مشت‌های شان را بر ضدش به هوا بلند کردند به آن رای خواهند داد</p>
<p>تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد</p>		
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم اقدام عملی توسط نظامیان حکومت سابق به دلیل تمایل به کسب اجازه از سوی</p>	<p>پرویز خسروانی: معاون نخست‌وزیر</p>	<p>بعد از انقلاب من نماینده اویسی در عراق بودم، واقعاً دولت عراق در یازده ماهی که در کشور عراق بودم نهایت مساعدت و همکاری را با تیمسار اویسی و نظامی‌ها می‌کرد برای</p>

<p>کارتر</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> اذعان پرویز خسروانی به حمایت حکومت عراق از نظامیان رژیم سابق علیه ج.ا</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> جدا شدن مسیر برخی از عناصر نظامی حکومت پهلوی از شاه بعد از سقوط حکومت</p>		<p>نجات ایران... .</p> <p>س- علت این که اقدامی نشد آن وقت و موفقیتی به دست نیامد چه بود؟</p> <p>ج- فقط در اثر این بود که تیمسار اویسی کراراً می گفتند «کارتر اجازه نداده است. تیمسار اویسی از واشنگتن با من تماس گرفت. چون من خیال داشتم بروم به قاهره برای این که مأموریت اعلی حضرت را انجام بدهم... به من تلفن کرد که شما نماینده من هستید نباید بروید. گفتم تیمسار برای چه نروم؟» گفت: راه ما از راه شاه جدا است چون تو بروی آمریکایی ها ناراحت می شونی.»</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> غیر محتمل بودن بازگشت عناصر حکومت سابق به قدرت علی رغم ادعای های مطرح شده از سوی آنها در سال های اولیه بعد از سقوط حکومت پهلوی</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> باورمندی مردم به مذهب مانع مهم بازگشت عناصر حکومت سابق به دلیل رویکرد غیرمذهبی آنها</p>	<p>عباس رمزی عطایی: فرمانده نیروی دریایی ارتش</p>	<p>الان اعلی حضرت رضاشاه دوم هستند، بختیار آنور است، مدنی آنور است... همه ادعا می کنند که به زودی برمی گردند. این ادعا را شش سال پیش هم کردند... ما با یک حکومت اسلامی طرف هستیم. حکومتی که ۳۴ میلیون نفر به آن اعتقاد دارند... اینجا مبارزه کردن با فرد نیست، مبارزه کردن با مغز است. یعنی شما الان اگر بخواهید بروید ایران، باید با لباس خودشان بروید. ممکن است از حکومت خمینی ناراضی باشند که هستند، ممکن است غذا نداشته باشند که ندارند، آرامش ندارند... ولی حاضر نیستند این سیستم را با یک روش</p>

<p><input checked="" type="checkbox"/> ارائه یک نسخه دینی بهترین گزینه برای شکست ج.ا.</p>		<p>غیرمذهبی تعویض کنند. با اینها باید راه مسلمانی وارد بشوند مثل جنگ حضرت علی و معاویه. معاویه وقتی که داشت شکست می‌خورد قرآن را برد بالا، همه ایستادند. با قرآن که نمی‌جنگند که راه مبارزه با این دولت از راه قرآن و لا اله الا الله و امام رضا ست، امام زمان.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> حضور قشرهای مختلف جامعه در تظاهرات علیه حکومت پهلوی علی‌رغم انکار برخی از افراد</p>	<p>فریدون جم: رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران</p>	<p>بالاخره مردم یقیناً انقلاب که کردند، نمی‌شود گفت انقلاب نکردند. حالا اگر بعضی‌ها اسمش را شورش می‌گذارند یا هرچه بالاخره انقلاب بود. در چند روزی هم که من در تهران بودم به چشم خودم دیدم مردم از همه طبقات در تظاهرات شرکت می‌کردند. بنابراین مسلماً آن روزها انقلاب جنبه ملی داشت و مردم هم یک تغییری را می‌خواستند و طرفدار به اصطلاح رهبرهای جدید این جنبش بودند.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> توجه انقلابی شدن روحانیون با قطع بودجه دولتی آنها در دوره نخست‌وزیری آموزگار</p>	<p>خسرو اقبال: مشاور حقوقی شرکت نفت</p>	<p>س- راجع به انقلاب اخیر گفته شده است که قطع کمک مالی به روحانیون باعث دامن زدن به آتش انقلاب شد. شما چه اظهار نظری در این باره دارید؟ ج-.. در تأیید این صحبت شما من یک داستانی را که از آقای ولیان شنیدم برای شما نقل بکنم: «یک روزی آن متصدی آمد گفت که سه ماه است که آقای نخست‌وزیر کمک</p>

		<p>آخوندها را نفرستادند. «گفتم» چطوری می شود همچین چیزی نفرستند. «ولیان گفت» من فردا پنجشنبه ای بود می رفتم تهران، رفتم پهلوی شاه، اولین صحبتی که با شاه کردم گفتم «قربان این کمک...» گفت «شاه خیلی عصبانی شد. گفت چطور؟ چطور نرسیده؟ کی گفته این کمک را قطع بکنند؟ گفتم «نرسیده. گفت» تلفن را برداشت و به آموزگار گفت که ولیان این جاست الان می آید آن جا شما این کمک را اولاً به اجازه کی قطع کردید؟ کی گفته شما این کمک را قطع بکنید؟» مرحوم دکتر اقبال هم به آخوندها خیلی کمک می کرد از شرکت نفت... . البته مسلم است که این قطع کمک بی اثر در این کار نبوده ولی باعث این کار نبوده که چون اینکه قطع شده این انقلاب شده نه همچین چیزی نبود. ولی بی اثر نبوده به هر جهت.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> پیش بینی شکست قیام ۱۳۵۷ در صورت عدم همکاری روحانیون با سیاستمداران عرفی</p>	<p>خسرو اقبال</p>	<p>.. . آمد پاریس و بعد با مبشری که وزیر دادگستری کابینه بازرگان شد، رفتیم خمینی را دیدیم. بنده با خمینی در حدود نیم ساعت صحبت کردم. از دیوار صدا درآمد از این مرد صدا درآمد... . تم صحبت من این بود که ایران همیشه در تاریخ اخیرش این قیامهایی که بر علیه سلاطین شده یا اینکه بر علیه ظلم شده پیشوایان مذهبی نقشی داشتند. چون معمولاً</p>

		<p>روحانیون به کار سیاست وارد نیستند در هر قیامی اگر که اینها دستشان را با سیاستمدارها در دست هم می گذاشتند این قیام موفق می شد هر وقت نگذاشتند قیام شکست خورد. قیام مشروطیت وقتی روحانیون و چیزها همه با هم بودند آن قیام به نتیجه رسید. قیامی که به نتیجه نرسید قیام مصدق بود. وقتی اینها از هم جدا شدند دو تا صف مختلف شدند هر دو شکست خوردند هم کاشانی شکست خورد هم مصدق، هر دو از بین رفتند.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم باور برخی کارگزاران به وقوع انقلاب به دلیل اتکاء آنها به قدرت ارتش</p>	<p>بدری کامروز</p>	<p>تا جایی که یادم هست، تا لحظه ای که خمینی وارد شد هیچ وقت ما فکر نمی کردیم که این انقلاب جدی باشد. به قدری به قدرت و عظمت قشون مان خود ایران که در عرض این بیست سال آخر چقدر ترقی کرده بود و عشق و وطن دوستی شخص اعلیحضرت همایونی آن قدر ما تکیه داشتیم که هیچ کدام باور نمی کردیم که این فتنه ها و این آشوبها بالاخره به اینجا می رسد.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> لزوم شکل گیری یک نظام سیاسی دموکراتیک برای آینده ایران</p>	<p>کمال حبیب اللهی</p>	<p>به نظر من آینده ایران هم فقط در یک دموکراسی خلاصه می شود، اگر ایرانی مثل آلمانها مثل ایتالیاییها مثل ژاپنیها کم کم راه دموکراسی را رفتند ایران هم درست می شود وگرنه هیچ وقت درست نمی شود.</p>

<p><input checked="" type="checkbox"/> تنها راه تداوم ج. ا روی کار آمدن مجدد مهدی بازرگان به عنوان رئیس جمهور</p>	<p>موسی موسوی اصفهانی: نماینده مجلس شورای ملی</p>	<p>این [مهندس بازرگان] یگانه کسی است که می تواند این جمهوری اسلامی را از مرگ نجات بدهد یگانه کسی است که می تواند سرنوشت خمینی را عوض کند اگر رئیس جمهور بگذارند بشود، [در غیر این صورت] اینها می روند از بین با فصاحت.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> عدم همکاری عناصر حکومت پهلوی مستقر در فرانسه با هم بعد از سقوط حکومت</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> عدم همکاری بختیار و علی امینی با هم برای اتحاد علیه حکومت ج. ا</p>	<p>مهرانگیز دولتشاهی: نماینده مجلس شورای ملی</p>	<p>سال ۱۹۸۱ یک عده ای جمع شده بودند بیشتر به تشویق آقای فرهنگی که از اسپانیا آمده بود. او را فرستاده بودند بروی پاریس که ببیند چرا گروهها با همدیگر همکاری نمی کنند و در نتیجه کسانی هم که این جا به این فکر علاقه مند بودند دور او را گرفته بودند. جمع شدیم یک عده ای و مدتی و جلساتی و یک هفت نفری انتخاب شدند برای اینکه بروند با آقایان امینی و بختیار صحبت بکنند و من هم یکی از آن هفت نفر بودم. رفتیم صحبت کردیم و بعد هم جلساتی دور همدیگر باز جمع می شدیم و این به جایی نرسید و بعد از یک نه ماهی جلسات این گروه بهم خورد. یک وقت هم قرار بود یک اسمی برایش بگذارند ولی به آن جا نرسید.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> تلاش ناموفق برای سازمان دهی عناصر حکومت پهلوی بعد از سقوط بر مبنای قانون</p>	<p>مهرانگیز دولتشاهی</p>	<p>در پاییز ۱۹۸۲ باز دیدیم یک گروهی دارد جمع می شود. قرار شد اسم بگذاریم گروه پیوند. از ابتدا پیدا بود که این وضع ادامه پیدا نمی کند. چون نه تشکیلات حسابی داشت و</p>

<p>اساسی مشروطه</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> عدم حضور عناصر نهضت مقاومت ملی در برخی تلاش‌های برای سازمان‌دهی مخالفان ج.ا</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> ناکامی تلاش‌ها برای سازمان‌دهی عناصر حکومت پهلوی به دلیل ضعف در کار تشکیلاتی</p>		<p>نمی‌خواستند هم تشکیلاتی بدهند. از گروه بختیار در این جمع بودند... . آنهایی که مال نهضت مقاومت ملی هستند آنها نبودند، آنها مخالف این کار بودند. هم از گروه امینی بود و هم از کسان دیگر. از آن نظامی‌ها و اینها از همه بودند. . اصل فکر این بود که می‌خواهیم در چهارچوب قانون اساسی و مشروطه سلطنتی کاری بکنیم که لااقل این چهار گروه با همدیگر کار بکنند: امینی و بختیار و اویسی و آریانا و اینها با شاه جوان بنشینند و خودشان حل بکنند که چه کار می‌خواهند بکنند. اولاً قرار شد آیین‌نامه برای این گروه نوشته بشود. بعد یک نفر یک آیین‌نامه می‌نویسد از جیبش درمی‌آورد بعد می‌گوییم خوب حالا آن را موقتی اجرا بکنیم بعد از سه ماه هم دوباره تمدیدش بکنیم. این جور کارهایی که گاهی ما ایرانی‌ها جدی نمی‌گیریم برای همین هم کارهایمان و تشکیلاتمان خوب نضج نمی‌گیرد... . بعد به‌طور عجیبی تقریباً خود همان‌هایی که گروه پیوند را درست کرده بودند به همش زدند.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> مطرح‌شدن اخبار شلوغی‌ها در هیئت دولت زمان آموزگار بدون بررسی عمیق آنها</p>	<p>داریوش همایون</p>	<p>[ضمن اشاره به جلسات کابینه آموزگار درباره اعتراضات] نمی‌شود گفت اصلاً بحث نشد. صحبت شد ولی هیچ بحثی که اینها چیست و علتش چیست چکار باید برایش کرد؛ نشد. در</p>

		<p>حد خبر دادن در حد اینکه مثلاً گاهی نخست‌وزیر صلاح می‌دید می‌گفت که فلان جا شلوغ شده همین دو کلمه. هیچ‌وقت حتی کمیسیونی تشکیل نشد که این مسائل را به‌طور عمقی بررسی کند. فقط یک کمیسیون تشکیل شد و آن کمیسیونی بود که مأمور بود که مسئله مذهبی را بررسی بکند و با مراجع مذهبی تماس‌هایی بگیرد و ببیند موضوع چیست و چه کار می‌شود کرد که آن هم بر اثر مداخلات و رقابت‌های وزارت دربار و تماس گرفتنتشان با همان مراجع مذهبی، این هم از بین رفت.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> کوتاه بودن عمر ج. ا در اثر وجود مخالفت‌ها در قشرهای مختلف اجتماعی</p> <p><input checked="" type="checkbox"/> محتمل تلقی شدن اقدام ارتش علیه رهبر ج. ا و جریانات سیاسی دیگر</p>	<p>داریوش همایون</p>	<p>من فکر می‌کردم که چون نیروهای مخالف خمینی فوق‌العاده قوی هستند. رژیم بر کارش مسلط نیست و مردم هم سرخورده شدند زمینه شورشی فراهم شود که با باز شدن مدارس و دانشگاه‌ها مسلم بود... من تصور می‌کنم داستان اشغال سفارت آمریکا نود درصدش مربوط بود به همین خطری که آن سال رژیم را، آشوب‌های جوانان، دانشجویان، دانشگاهیان و دانش‌آموزان، تهدید می‌کرد. البته عوامل دیگری هم بود که می‌خواستند حسابشان را با آنها تسویه کنند مثل لیبرال‌ها و غیره، ولی در آن موقع احتیاجی به گرفتن سفارت آمریکا نبود برای این کار همان</p>

		<p>ملاقات بازرگان و یزدی با برژینسکی کافی بود که آن دولت را بی اعتبار کنند و ساقطش کنند... . جناح چپ مخالفان خمینی در آن موقع مقتدرترین بودند. این عوامل به من اطمینان می داد که عمر این رژیم خیلی کوتاه است. ارتش خیلی تحقیر شده بود ولی نبود نشده بود احتمال می دادم که بعد از حرکت دست چپی ها بر ضد خمینی ارتش وارد میدان بشود و هر دو را سرکوب بکند. به هر حال با گرفتن سفارت آمریکا اصلاً همه چیز عوض شد و رژیم محکم شد</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> انفعال دول خارجی در برابر سقوط شاه در اثر وجود یک تصور غلط مبنی ممکن بودن همکاری با حکومت جدید ایران</p>	<p>داریوش همایون</p>	<p>.. . به هر حال خارجی ها سهم خودشان را داشتند از حماقت، از ندانم کاری، از طمع کاری، از فریب دادن خود که بله با اینها می توانیم بسازیم و اینها مذهبی هستند و جلوی کمونیست ها را حالا هر چه هم شد لااقل می گیرند از این حرف ها زدند ولی اساس کار این بود که ایرانی ها نخواستند بفهمند که به دست خودشان تیشه به ریشه خودشان زدند و سعی کردند که گناه را به گردن دیگران بیندازند.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> گذرا تلقی شدن اعتراضات اجتماعی در آبان ۱۳۵۷ از سوی حاکمیت</p>	<p>عبدالمجید مجیدی: مدیرعامل سازمان</p>	<p>[درباره روز ۱۷ آبان ۳۵۷ دستگیری هویدا سخن می گوید و ادامه می دهد] س- یعنی فکر می کرد واقعاً یک چیز موقتی است؟</p>

<p><input checked="" type="checkbox"/> فروکش کردن با اعتراضات دستگیر کردن مقامات ارشد رژیم مثل هویدا</p>	<p>برنامه و بودجه</p>	<p>ج- مسلم است. هیچ کس فکر نمی کرد که این جور همه چیز به هم بریزد که، حالا این را که دارم من می گویم... یعنی سه روز است که از هاری نخست وزیر است هنوز خیلی مانده تا انقلاب. س- یعنی فکر می کرد که این یک مقدار باعث چه می شد؟ ج- بالاخره این کار را دارند می کنند برای اینکه یک مقداری به حساب scapegoat [قربانی کردن] وجود داشته باشد اینها را تقصیر از گردن دیگران برود تا اینکه این مرحله بحرانی بگذرد. بعداً خوب درست می شود همه چیز. حدس می زد فکر می کنم.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> غیر ایرانی قلمداد شدن معترضین ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز از سوی نخست وزیر آموزگار</p>	<p>هلاکو رامبد: نماینده مجلس شورای ملی</p>	<p>واقعه تبریز که پیش آمده من تلفنی با آقای نخست وزیر [آموزگار] تماس گرفتم اطلاعاتی که ایشان داشتند بر این بود که در این واقعه افرادی که اصلاً ایرانی نبودند و دستجاتی که گویا فلسطینی ها بودند شرکت داشتند. به همین جهت هم در گزارش به مجلس این مطلب را من عنوان کردم که این کسانی که در این واقعه شرکت کردند اصلاً ایرانی نیستند و باید مشخص شود که از کدام مرز و از کجا و به چه وسیله وارد شدند.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> سطحی دانستن نارضایتی اجتماعی</p>	<p>مصطفی الموتی:</p>	<p>آموزگار صحبت کردند و گفتند که در قم واقعه ای اتفاق افتاده، تظاهراتی شده به دنبالش</p>

<p>توسط برخی از کارگزاران <input checked="" type="checkbox"/> گذرا تلقی شدن اعتراضات قم و تبریز در سال ۱۳۵۶ از جانب آموزگار نخست‌وزیر</p>	<p>نماینده مجلس شورای ملی</p>	<p>هم در تبریز، ولی دولت اقدام کرده خیلی چیز مهمی نبوده و تقریباً این مسئله ساکت شده است. می‌دیدم عدم رضایت هست ولی فکر نمی‌کردم که این قدر ریشه عمیق داشته باشد. بعضی حرف‌هایشان واقعاً درست است. مثلاً ایراداتی که می‌گرفتند که نمی‌دانم فلان والا حضرت تریاک‌کاری دارد یا فلان والا حضرت از بودجه مملکت، ما بعضی‌ها خود ما می‌گفتیم متها نه به صورت پشت تریبون صریح این‌ها.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> دخالت خارجی‌ها در وقوع انقلاب سال ۵۷ به دلیل عدم تمایل آنها به وجود دول مستقل در شرق</p>	<p>علی ایزدی</p>	<p>س- بله. این آشوبی که منتج به روی کار آمدن خمینی و آخوندها شد شما از کی احساس کردید که یک همچین خطری در پیش است؟ ج- ایشان آمد تهران نبودم، ولی درهرحال آنچه که مسلم است این کار خود ایرانی‌ها نیست کار به نظر من خارجی‌هاست و خارجی‌ها که دلشان نمی‌خواهد که ممالکی در شرق مستقر باشد و مطمئن باشد و سرپای خودش بایستند</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> اقدام اشتباه آموزگار در دوره نخست‌وزیری در خصوص قطع بودجه روحانیت</p>	<p>محسن هاشمی نژاد: از مدیران ارشد ساواک</p>	<p>یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات دوره آموزگار قطع کردن بودجه روحانیون بود. نباید فراموش بکنیم که در یک مملکتی هستیم که هفتاد هشتاد درصد ملت توجهش به مذهب است و مذهب در خون و ریشه این مردم اثر دارد.</p>

		<p>بنابراین نمی‌توانیم یک‌باره مذهب را فراموش بکنیم. مملکتی که دوازده میلیارد دلار آنجا گذاشته آن وقت سالی چند صد میلیون تومان بتوانیم کمک بکنیم به اینها و شاید بالاخره مراجع مذهبی هم نیازی داشتند چرا باید این پول را قطع بکنیم؟</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> تصور برخی از عناصر ساواک مبنی بر حفظ حکومت پهلوی علی‌رغم فضای ملتهب در کشور</p>	<p>عیسی پژمان: از مدیران ارشد ساواک</p>	<p>س-اسناد ساواک چطور از بین نرفت و همین‌جور به اصطلاح سالم ماند که به دست اینها بیفتد؟ ج-اصلاً فکر نمی‌کردند که یک‌همچین چیزی به این صورت و با این سرعت عملی بشود. این است که وقتی دیدند که دیگر فرصتی نبوده، مجالی نبوده قسمت بیشترش هم در کامپیوترها ضبط کرده بودند و نمی‌توانستند کاری‌اش بکنند. اکثرشان در فکر به‌در بردن جانشان بودند تا آن‌که به فکر اسناد و مدارک.</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> طرح ادعای ارتباط شوروی با امام خمینی در دوران تبعید در نجف <input checked="" type="checkbox"/> دخالت عناصر فلسطینی در کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷</p>	<p>حسن طوفانیان: معاون و جانشین وزیر جنگ</p>	<p>روسیه از نظر توسعه فعالیت، جاسوسی و توسعه رژیمش offensive [تهاجمی] است، defensive [دفاعی] نیست، .. این کسی که اقداماتش offensive است خمینی را ۱۴ سال نجف بگذارد با او ارتباط نداشته باشد؟ وقتی یک مملکت با این طرز تفکر می‌خواهد توسعه نفوذ بدهد در کشور همسایه. می‌آید زیر اسم حزب توده یا کمونیسم می‌آید توسعه نفوذ بدهد که</p>

	<p>غیرقانونی است در آن مملکت؟ خوب، نمی‌آید. می‌آید زیر یک اسمی توسعه نفوذ می‌دهد که همه مردم مستضعفی که می‌گویند اینها جذبش بکنند. می‌آید زیر عمامه توسعه می‌دهد. . . اصلاً تو میدان ژاله سربازها کسی را نکشتند. فلسطینی‌ها کشتند. فلسطینی‌ها کشتند.</p>
--	--

تبدیل مضامین پایه به مضامین سازمان دهنده و فراگیر: بعد از بررسی متن‌های مختلف و استخراج مضامین پایه، باید مشخص نمود این مضامین محقق را به چه مضامین بالاتری رهنمون می‌سازد؛ مضامینی که اصطلاحاً به آنها سازمان دهنده و فراگیر می‌گویند. مضمون سازمان دهنده مقولاتی است که از ترکیب مضامین پایه حاصل می‌شود و درعین حال حلقه واسط بین مضمون پایه و فراگیر است و مضمون فراگیر که در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰) دربرگیرنده مضامین عالی و اصول حاکم بر متن است. اگرچه در مرحله کشف مضامین پایه باید به متن وفادار بود اما در مراحل بعد می‌توان با توجه به نکات مشترک میان مضامین پایه؛ مضمون سازمان دهنده و فراگیر را انتزاع نمود.

جداول تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

مضمون شماره یک: تحلیل غلط از ریشه‌های انقلاب

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
۱	۱	طرح ادعای ارتباط شوروی با امام خمینی در

		دوران تبعید در نجف	
	منتسب نمودن اعتراضات به عناصر غیر ایرانی	دخالت عناصر فلسطینی در کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷	
		انکار مبارزه مردمی علیه حکومت و انتصاب مخالفانها به عناصر فلسطینی	
		انکار نقش حکومت در کشتار مردم در ۱۷ شهریور ۵۷	
		غیر ایرانی قلمداد شدن معترضین ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز از سوی نخست وزیر آموزگار	
	توطئه خارجی معرفی کردن انقلاب ۵۷	انفعال دول خارجی در برابر سقوط شاه در اثر وجود یک تصور غلط مبنی بر ممکن بودن همکاری با حکومت جدید ایران	
		برنامه ریزی دول خارجی مخالف پیشرفت ایران برای ایجاد انقلاب علیه شاه	
		به خطر افتادن منافع برخی دول خارجی به دلیل اقدامات شاه در عرصه تجارت نفت	
		دخالت خارجیها در وقوع انقلاب سال ۵۷ به دلیل عدم تمایل آنها به وجود دول مستقل در شرق	
		تأکید شاه بر آگاه سازی مردم در برابر توطئه های احتمالی شرکت های نفتی در ایران در آغاز دهه ۵۰	
	شکل گیری فضای	کمک مالی به برخی روحانیون در دوره هویدا	

	انقلابی در اثر قطع کمک مالی دولت به روحانیت	توجیه انقلابی شدن روحانیون با قطع بودجه دولتی آنها در دوره نخست‌وزیری آموزگار
		اقدام اشتباه آموزگار در دوره نخست‌وزیری در خصوص قطع بودجه روحانیت

مضمون شماره دو: عبور جامعه از حکومت در ماه‌های منتهی به انقلاب و عدم درک این مهم در حاکمیت

مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
	باور کاذب به حمایت اجتماعی از حکومت	عبور جامعه از حکومت در ماه‌های منتهی به انقلاب و عدم درک این مهم در حاکمیت
		باور برخی از چهره‌های دانشگاهی به وجود حمایت مردمی از شاه در دی‌ماه ۵۷
		باور غلط شاه به حمایت مردمی از حکومت
		حیرت‌زدگی برخی کارگزاران حکومت از کثرت مخالفان
	عدم درک عمق نارضایتی موجود در جامعه	حضور قشرهای مختلف جامعه در تظاهرات علیه حکومت پهلوی علی‌رغم انکار برخی از افراد
		آگاهی سطحی اعضای خاندان سلطنتی از فضای انقلابی موجود در جامعه
		سطحی دانستن نارضایتی اجتماعی توسط برخی از کارگزاران
		احساس عدم رضایت در متفبعین از حکومت پهلوی
بروز نارضایتی در بین لایه‌های مختلف جامعه		

		در سال‌های منتهی به انقلاب	
		عدم درک نارضایتی موجود در جامعه توسط شاه به دلیل عدم ارتباط مستقیم با مردم	
	سطحی تلقی شدن اعتراضات	گذرا تلقی شدن اعتراضات اجتماعی در آبان ۱۳۵۷ از سوی حاکمیت	
		فروکش کردن اعتراضات با دستگیرکردن مقامات ارشد رژیم مثل هویدا	
		گذرا تلقی شدن اعتراضات قم و تبریز در سال ۱۳۵۶ از جانب آموزگار نخست‌وزیر	
		عدم اشراف کارگزاران حکومت بر ابعاد پیچیده انقلاب	
	اطمینان از ثبات حکومت علی‌رغم وجود اعتراضات	انکار وجود خطر برای ثبات حکومت پهلوی توسط ازهارری	
		عدم باور برخی کارگزاران به وقوع انقلاب به دلیل اتکاء آنها به قدرت ارتش	
		عدم پیش‌بینی سقوط حکومت پهلوی در نتیجه بروز بحران در سال ۵۷	
		عدم باور کارگزاران به سقوط حکومت در نتیجه اعتراضات	
		عدم پیش‌بینی وقوع انقلاب و استقرار حکومت دینی توسط برخی نمایندگان مجلس شورای ملی	
		تصور برخی از عناصر ساواک مبنی بر حفظ حکومت پهلوی علی‌رغم فضای ملتهب در	

	کشور	
عدم بررسی اعتراضات اجتماعی در هیئت دولت	عدم طرح موضوع نارضایتی اجتماعی در جلسه هیئت دولت در زمان آموزگار	
	عدم وجود حس «در حال سقوط بودن» حکومت پهلوی در کابینه ازهارى سه ماه قبل از وقوع انقلاب	
	مطرح شدن اخبار شلوغی‌ها در هیئت دولت زمان آموزگار بدون بررسی عمیق آنها	

مضمون شماره سه : پیش‌بینی غلط از آینده جمهوری اسلامی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
پیش‌بینی غلط از آینده جمهوری اسلامی	پایان حکومت جمهوری اسلامی در کوتاه‌مدت	خوش‌بینی به سقوط نظام جمهوری اسلامی
		عدم پایداری حکومت روحانیت
		خاتمه حکومت ج. ا بعد از فوت آیت‌الله خمینی
	عدم حمایت اجتماعی از نظام جمهوری اسلامی	کوتاه بودن عمر ج. ا در اثر وجود مخالفت‌ها در قشرهای مختلف اجتماعی
		پشیمانی جامعه ایران از انقلاب ۵۷ و میل به بازگشت به دوران رژیم سلطنتی در سال ۱۳۶۱
		مخالفت کارکنان دولت با نظام ج. ا
		ترس مانع اعتصاب کارکنان
	محتمل تلقی شدن اقدام ارتش علیه رهبری انقلاب و جریانات سیاسی دیگر	

	ارائه برخی الزامات برای تداوم جمهوری اسلامی	پیش‌بینی شکست قیام ۱۳۵۷ در صورت عدم همکاری روحانیون با سیاستمداران عرفی
		تنها راه تداوم ج. ا روی کارآمدن مجدد مهدی بازرگان به‌عنوان رئیس‌جمهور

مضمون شماره چهار: ناامید شدن سلطنت‌طلبان برای بازگشت به قدرت

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
ناامید شدن سلطنت‌طلبان برای بازگشت به قدرت	فقدان تشکیلاتی سلطنت‌طلبان خارج نشین انسجام بین	ضعف و عدم لیاقت مخالفین خمینی در خارج از کشور بر اساس مشاهدات برخی کارگزاران
		عدم همکاری عناصر حکومت پهلوی مستقر در فرانسه باهم بعد از سقوط حکومت
		عدم همکاری بختیار و علی امینی باهم برای اتحاد علیه حکومت ج. ا
		عدم حضور عناصر نهضت مقاومت ملی در برخی تلاش‌های برای سازمان‌دهی مخالفان ج. ا
		جدا شدن مسیر برخی از عناصر نظامی حکومت پهلوی از شاه بعد از سقوط حکومت
		ناکامی تلاش‌ها برای سازمان‌دهی عناصر حکومت پهلوی به دلیل ضعف در کار تشکیلاتی
		ادعای علی امینی به تلاش برای ایجاد ائتلاف بین اپوزیسیون برای براندازی نظام

		تلاش ناموفق برای سازمان‌دهی عناصر حکومت پهلوی بعد از سقوط بر مبنای قانون اساسی مشروطه
	وابستگی عناصر سلطنت طلب به دول خارجی	عدم اقدام عملی توسط نظامیان حکومت سابق به دلیل تمایل به کسب اجازه از سوی کارتر اذعان پرویز خسروانی حمایت حکومت عراق از نظامیان رژیم سابق علیه ج.ا
	دشواری‌های سلطنت طلبان برای احیاء جایگاه سابق	لزوم شکل‌گیری یک نظام سیاسی دموکراتیک برای آینده ایران
		غیرمحمتمل بودن بازگشت عناصر حکومت سابق به قدرت علی‌رغم ادعاهای مطرح‌شده از سوی آنها در سال‌های اولیه بعد از سقوط حکومت پهلوی
		باورمندی مردم به مذهب مانع مهم بازگشت عناصر حکومت سابق به دلیل رویکرد غیرمذهبی آنها
		ارائه یک نسخه دینی بهترین گزینه برای شکست ج.ا

تحلیل یافته‌ها

مضمون شماره ۱: تحلیل غلط از ریشه‌های انقلاب

داده‌های موجود در تاریخ شفاهی کارگزاران حکومت در خصوص ریشه‌یابی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نشان می‌دهد آنها در سه سطح، تحلیل غلطی از ریشه‌های انقلاب

داشتند: نخست اینکه تمایل بسیار پررنگی وجود دارد که انقلاب ۱۳۵۷ به سیاست‌های دول خارجی منتسب شود. در این سطح بیشتر توجهات معطوف به شرکت‌های نفتی و دولت‌های مطبوعشان بود که از منظر رادیکال تلاش داشتند ترمز پیشرفت‌های ایران را بکشند و وجود یک کشور مستقل و پیشرفته در شرق برایشان قابل قبول نبود.

در سطح رهبری، برخی افراد مثل حسن طوفانیان از نظامیان ارشد مدعی است که حکومت شوروی در دوران تبعید با امام خمینی ارتباط داشته است. طوفانیان این سخن را بر مبنای خبر قطعی یا اسناد و مدارک طرح نمی‌کند بلکه حدسیات خود را بیان می‌کند و بالطبع این سخن در تاریخ، محلی از اعراب ندارد. سطح سوم دخالت عنصر خارجی هم مربوط به اظهاراتی است که حضور عناصر میدانی فلسطینی را در تظاهرات‌ها بیان می‌کند.

در تاریخ شفاهی کارگزاران حکومت درباره دخالت سه عنصر خارجی متفاوت در انقلاب صحبت شده است: شوروی، شرکت‌های نفتی غربی و فلسطینی‌ها. نفس ناهمگونی عناصر خارجی مداخله‌گر نشانگر آن است که آنچه تحت عنوان دخالت خارجی‌ها مطرح می‌شود بیش از آنکه ریشه در واقعیت داشته باشد، ناشی از تبلیغات دستگاه حکومت برای بدنام کردن انقلابیون بود؛ امری که سال‌های متمادی انجام می‌شد و حتی در مرداد ۱۳۵۷ به‌عنوان یک راه‌حل جهت غلبه بر بحران به آن نگریسته می‌شد. پرویز ثابتی از مقامات ارشد ساواک از گفت‌وگوی خود با هویدا، وزیر دربار، در تاریخ فوق سخن به میان آورده و پیشنهاد داده است که شاه و دولت باید یک اقدام دراماتیک انجام دهند و اعلام کنند پشت تحرکات صورت گرفته کمپانی‌ها نفتی و دولت‌های حامی آنها هستند و سپس روابط خود را با آمریکا و انگلیس قطع کند، مستشاران آمریکایی را اخراج و دفتر بی‌بی‌سی در تهران را نیز تعطیل کند. ثابتی می‌دانست که پیشتر «شاهنشاه همه این تحرکات را از ناحیه دول بزرگ غربی» قلمداد کرده بود (قانع‌فرد، ۲۰۱۲: ۴۹۴) لذا راه‌حلی ارائه داد که پیش‌زمینه قبلی داشت. اما این مقام عالی‌رتبه امنیتی در ارزیابی نهایی خود از تأثیر دول خارجی بر انقلاب ۱۳۵۷ اظهار داشته است که همه این اتفاقات مربوط به زمانی است که آنها رژیم شاه را در مسیر سقوط دیده و به این نتیجه رسیدند که شاه رفتنی است (قانع‌فرد، ۲۰۱۲: ۴۷۶).

در این بین فردی چون سیدحسین نصر، از چهره‌های آکادمیک رژیم قبل و مسئول دفتر فرح پهلوی، کوشیده است از غلظت دخالت خارجی قدری بکاهد. او تصریح نموده که «در این شکی نیست که غربی‌ها برای ایران نقشه ریختند» اما عوامل داخلی هم نقش مکمل این نقشه خارجی را داشتند و مجموع آنها سبب وقوع انقلاب شد (نصر، مصاحبه با بنیاد مطالعات ایران، ۱۹۸۲).

به‌طور کلی در هر دو پروژه یعنی هم بنیاد مطالعات و هم هاروارد؛ علاقه زیادی وجود داشت تا درباره نقش دول خارجی با مقامات حکومت سابق گفت‌وگو کنند بلکه حرفی در تأیید این دیدگاه از آنها صادر شود، اما برخی افراد به‌صراحت آب پاکی روی دستشان ریختند. یک نمونه از این مصاحبه‌ها مربوط به گفت‌وگوی حبیب لاجوردی با اردشیر زاهدی است. زاهدی به‌عنوان سفیر ایران در آمریکا، دارای حشرونشر زیادی با مقامات این کشور بود و در برابر پرسش پیرامون دخالت خارجی در یک‌کلام پاسخ می‌دهد: «جواب فوری من نه است» (زاهدی، مصاحبه با تاریخ شفاهی هاروارد، ۱۹۹۲).

مطلب دیگری که نشان می‌دهد مقامات حکومت نتوانستند ریشه‌های واقعی اعتراضات را درک کنند مرتبط دانستن وقوع انقلاب اسلامی با قطع شدن مواجب تعدادی از روحانیون در دوران نخست‌وزیری جمشید آموزگار است و به این دلیل به آموزگار تاخته‌اند. اما این دیدگاه منتقدان جدی هم دارد که نکات درستی را مطرح می‌کنند. نصیر عصار که به‌عنوان معاون نخست‌وزیر رئیس سازمان اوقاف بود و با مسائل مذهبی آشنایی داشت در این باره می‌گوید: «این پول، دادنش کمکی به تحبیب روحانیت نمی‌کرد و قطع کردنش هم هیچ تأثیری در داستان انقلاب نداشت... اگر این پول ده برابر این هم بود باز بنده و جنابعالی همین جایی می‌بودیم که حالا نشسته‌ایم؛ برای اینکه اصلاً داستان یک داستان دیگری بود» (عصار، مصاحبه با بنیاد مطالعات ایران، ۱۹۸۲). داریوش همایون نیز نکته‌ای را مطرح می‌کند که مؤید دیدگاه نصیر عصار است و می‌گوید کسانی که انقلاب را رهبری می‌کردند، حقوق‌بگیر نخست‌وزیری نبودند بلکه این پول به آخوندهای درباری داده می‌شد که وزنی در جامعه نداشتند.

مضمون شماره ۲: عبور جامعه از حکومت در ماه‌های منتهی به انقلاب و عدم درک این مهم در حاکمیت

به‌طور ویژه از دی‌ماه ۱۳۵۶ روند اعتراضات در جامعه ایران رو به فزونی نهاد و به تدریج فضای کشور بسیار ملتهب شد؛ به شکلی که در مهرماه ۱۳۵۷ اعتصابات گسترده‌ای در کشور رخ داد و عملاً حکومت امکان مدیریت کشور را از دست داد. اما در تاریخ شفاهی کارگزاران نکاتی طرح شده است که نشان می‌دهد در هیچ سطحی از حاکمیت بروز بحران سیاسی در کشور احساس نمی‌شد. در آغاز سال ۱۳۵۷، شاه، به‌رغم فضای اجتماعی ملتهب، خود را در موفق‌ترین برهه حکمرانی می‌دید. در اردیبهشت ۱۳۵۷ شاه بسیار خوش‌بینانه به آینده ایران نگاه می‌کرد و مهار تورم و پیشرفت‌های کشور به‌زعم او دو عامل اصلی این خوش‌بینی بود (هویدا، ۱۳۷۰: ۲۵) و هرگز تصور نمی‌کرد یک سال بعد اصلاً جایی در ایران نداشته باشد. طرفه آنکه در روزهای آخر حضور شاه در ایران، اگرچه شاه احساس خطر می‌کرد و درصدد خروج از ایران بود، ولی برخی از چهره‌های دانشگاهی کشور طی دیداری با او، از وجود حمایت مردمی سخن به میان آورده و خواهان تداوم حضورش در کشور به مدد این حمایت اجتماعی شدند.

گویا اغلب مقامات ارشد، درک درستی از عمق نارضایتی نداشته و عبور جامعه از حکومت را به درستی فهم نکرده و بر ابعاد پیچیده انقلاب اشراف نداشتند. آنان اعتراضات عمومی را سطحی و گذرا تلقی و تصور می‌کردند با دستگیرکردن برخی مقامات ارشد مثل هویدا می‌توان آرامش را به جامعه بازگرداند. این نگرش یعنی تلقی سطحی از نارضایتی‌ها سبب شد برخی از افراد مثل ابوالفتح اردلان بعد از سقوط حکومت بگویند: اگر کسی مدعی شد وقوع انقلاب را پیش‌بینی می‌کرده است، دروغ می‌گوید. یک نشانه برای عدم پیش‌بینی وقوع انقلاب و سرعت چشمگیر آن عدم امحاء اسناد امنیتی توسط ساواک بود که در حجم زیاد در اختیار انقلابیون قرار گرفت.

البته برخی از افراد ادعا کرده‌اند از شهریور ۵۷ تصور می‌کردند رژیم رفتنی است؛ اما چنین برداشتی عمومیت نداشت. فریدون هویدا مدعی است که در این تاریخ (یعنی شهریور ۵۷) اکثر طبقات مردم دیگر هدفی جز سرنگونی شاه نداشتند (هویدا، ۱۳۷۰: ۴۲). مریم شاملو،

از اساتید دانشگاه، به واسطه مشاهده برخی از تغییرات رفتاری بین دانشجویان دختر و تشدید فضای سیاسی در دانشگاه؛ در شهریور ۱۳۵۷ به این باور رسیده بود که رژیم رفتنی است (شاملو، مصاحبه با بنیاد مطالعات ایران، ۱۹۸۴). مشابه مشاهدات شاملو را افراد دیگر هم داشتند ولی آنها تلقی «خانمان برانداز» از مشاهدات مذکور نداشتند (بهنام، مصاحبه با بنیاد مطالعات ایران، ۱۹۸۷).

بی‌اطلاعی از حوادث کشور، یکی از عواملی بود که سبب شد کارگزاران درک درستی از روند انقلاب نداشته باشند. زیرا حوادث جاری صرفاً از منظر امنیتی بررسی می‌شد و دستگاه‌های امنیتی، در ارتباط با خود شاه؛ مسائل را رصد می‌کردند و دولتمردان عموماً اطلاعی از کم‌وکیف حوادث جاری نداشتند. چنان‌که برخی اعضای کابینه آموزگار می‌گویند حوادث جاری کشور فقط در حد نقل اخبار در هیئت دولت طرح می‌شد و هیچ‌گونه بررسی عمیقی به عمل نمی‌آمد. برخی از اعضای هیئت دولت ارتشبد از هاری، که از ۱۵ آبان تا ۱۰ دی ماه ۱۳۵۷ بر مسند امور بود، بیان کرده‌اند که او به‌وضوح منکر در پیش بودن خطر برای کلیت نظام سلطنت بود. در بین رجال نظامی نیز بعضی از افراد گفته‌اند که تا اوایل سال ۱۳۵۷ شناختی از انقلابیون و به‌خصوص رهبر انقلاب حضرت امام خمینی نداشتند. کمال حبیب‌اللهی اظهار داشته است: «اصلاً ما اسمی از ایشان نداشتیم تا هفت هشت ماه پیش از انقلاب یعنی دستگاه اطلاعاتی مملکت آن‌چنان ما را بی‌خبر گذاشت، در صورتی‌که من خیلی اهل مطالعه بودم ولی آن‌چنان بی‌خبر ما را گذاشته بودند ما نمی‌دانستیم خمینی کیست؟»

مضمون شماره ۳: پیش‌بینی غلط از آینده جمهوری اسلامی

با توجه به اینکه مصاحبه‌های مورد استناد در این پژوهش عمدتاً در دهه ۱۳۶۰ شمسی و تقریباً سال‌های نخست پس‌اسقوط انجام شده است، مقامات در برابر پرسش‌هایی پیرامون آینده جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. پاسخ‌های آنها نشان می‌دهد نسبت به سقوط جمهوری اسلامی در کوتاه‌مدت بسیار خوش‌بین بوده و نهایت عمر این نظام را تا پایان عمر امام خمینی می‌دانستند.

آنها براین باور بودند که حکومت جدید فاقد پایگاه اجتماعی است و حتی در سال ۱۳۶۱ برخی از مقامات سابق مدعی شدند جامعه ایران از اینکه انقلاب کرده، پشیمان است. به باور آنان ترس از خشونت و کشتار حکومت، موجب شده که به‌رغم کثرت مخالفان، فضای اجتماعی ملتهب و یا اعتراضی در ایران شکل نگیرد.

برخی از کارگزاران با مفروض دانستن سقوط نظام جدید؛ مدعی بودند که در دو حالت جمهوری اسلامی می‌تواند بر عمر خود بیفزاید؛ یا با به‌صحنه آوردن سیاستمداران عرفی و یا استفاده از افرادی نظیر مهندس مهدی بازرگان. چنان‌که سید موسی موسوی، از نمایندگان مجلس شورای ملی، عقیده داشت بعد از استعفای بازرگان از نخست‌وزیری در آبان ۵۸ باید حکومت مجدداً او را برسرکار بیاورد تا بتواند بر عمر خود بیفزاید در غیر این صورت انقلاب ۱۳۵۷ شکست خواهد خورد. این راه‌حل‌های مبتنی بر این پیش‌فرض بود که روحانیون توانایی حکمرانی ندارند و می‌بایست از سایر عناصر جهت جبران ضعف خود استفاده کنند.

مجموعه پیش‌بینی و تحلیل‌های مقامات حکومت سابق در دهه ۱۳۶۰ درباره آینده جمهوری اسلامی با گذشت حدود چهل سال از آن، غلط از آب درآمده است. زیرا عمده مباحث آنها در باب آینده را باید در قالب پس‌نگری تحلیل کرد. در این قالب یک آینده مطلوب تصور می‌شود سپس می‌کوشند الزاماتی که برای رسیدن به آن لازم است ذکر شود (مرادی‌پور و نوروزیان، ۱۳۸۴: ۳۶). به عبارت بهتر این آینده، آینده مرجح است نه آینده محتمل که بر اساس تداوم روندهای گذشته حاصل خواهد شد (خاشعی، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۶).

مضمون شماره ۴: ناامید شدن سلطنت‌طلبان برای بازگشت به قدرت

مقامات حکومت پهلوی باینکه فروپاشی زود هنگام جمهوری اسلامی را مطرح می‌کردند اما در باب امکان بازگشت سلطنت به ایران تقریباً ناامیدانه سخن می‌گفتند. فردی چون اشرف پهلوی خواهر شاه به‌صراحت بیان می‌کرد «ایران هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه دوباره برگردد سلطنت به ایران. چون شنیده‌اید که می‌گویند خدا شاه میهن». اما سایرین با توجه به شرایط زمانه چنین باوری نداشتند.

با مرگ شاه در مرداد ۱۳۵۹ این جریان فاقد یک رهبری قابل اطاعت برای همه سلطنت‌طلبان شد. ولیعهد او هم خام‌تر از آن بود که بتواند جای خالی پدرش را با ۳۷ سال سابقه حکمرانی پر کند. این دو نکته موجب تشتت بین سلطنت‌طلبان شد و اشخاص مختلف هر یک خود را در قواره رهبری این جریان می‌دانستند. علی‌امینی، شاهپور بختیار و حتی برخی از نظامیان مدعی جایگاه رهبری بودند. اختلال در رهبری سبب شد تا انسجام تشکیلاتی بین عوامل سلطنت‌طلب پراکنده در اروپا و آمریکا شکل نگیرد و محدود تلاش‌های انجام‌شده در این زمینه عقیم بماند. ضعف در رهبری و فقدان انسجام تشکیلاتی، نیروهای رده‌های پایین را به شدت سرخورده کرد به شکلی که هرگاه در این زمینه دعوتی از آنها می‌شد پیش از شروع کار از موفقیت آن ناامید بودند.

به نظر می‌رسد در فضای پس‌انقلاب برخی از مقامات حکومت سابق خط خود را از خاندان پهلوی جدا کرده و در تلاش بودند با جلب حمایت دولت آمریکا اقدامی برای سقوط جمهوری اسلامی و قدرت‌گیری خود انجام دهند. چنان‌که ارتشبد اویسی، فرمانده نیروی زمینی ۵۷-۱۳۵۱، خط خود را از خاندان سلطنت جدا کرد و با استقرار در عراق، همکاری با رژیم صدام و نزدیکی به آمریکایی‌ها می‌کوشید پروژه بازگشت را اجرایی کند. جدایی او از بقایای سلطنت هم احتمالاً به دلیل نفرت عمومی از نظام سلطنت بود و بنابر تحلیل اویسی فعالیت‌کردن ذیل نام آنها موجب شکست تلقی می‌شد.

تحلیل برخی دیگر از مقامات این بود که ماهیت و عملکرد نظام سلطنت مانع اصلی بازگشت آنها به قدرت است. بدین معنا که جامعه ایران دین‌محور است ولی عملکرد رژیم سابق نقطه مقابل روحیات ایرانیان بود. از این حیث عقیده داشتند بهترین گزینه برای به‌شکست‌کشاندن جمهوری اسلامی ارائه یک نسخه جایگزین مبتنی بر دین، به ایرانیان است تا از جمهوری اسلامی دست شسته و جذب این الگوی حکومتی دین‌مدارانه جدید شوند. ضدیت حکمرانی پهلوی‌ها در دوران ۵۳ ساله حکومتشان با اصول دموکراتیک علت دیگری است که بازگشت آنها به ایران را از منظر دست‌اندرکاران همان حکومت ناممکن می‌سازد زیرا نسبتی بین آنها و دموکراسی به‌عنوان یک الزام مهم جهت حکمرانی در عصر جدید وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

مصاحبه‌های ۳۷ نفر از مقامات رژیم پهلوی نشان می‌دهد آنها در شناخت و درک اوضاع سیاسی-اجتماعی زمانه خود و رویدادهای منتهی به انقلاب اسلامی دچار خطای اساسی بودند، از این‌رو قادر به تبیین درست ماهیت تحولات کشور نشدند. بخشی از این خطا، ناشی از روش‌های مدیریتی و روحیات شخصی آنها بود و بخش دیگر از عدم ارتباط بی‌واسطه مقامات حکومت با لایه‌های مختلف جامعه ناشی می‌شد. در اثر این عوامل آنها نتوانستند تحولات فکری و سیاسی جامعه را فهم و ارزیابی دقیق از آن ارائه کنند، به نحوی که حکومت پهلوی با قیام کرد مردم مواجه نشود. آنها متوجه عبور جامعه از ساختار حکومت سلطنتی نشدند و توقع داشتند با برخی حرکات نمایشی بقای آن ساختار را تضمین کنند. عدم اشراف بر تحولات فکری جامعه، آنها را در پیش‌بینی آینده جمهوری اسلامی نیز دچار خطای اساسی نمود و تنها بخش صحیح تحلیل‌های مقامات رژیم سابق بازگشت‌ناپذیری سلطنت بود امری که تاکنون نیز به‌رغم حمایت برخی کشورهای خارجی محقق نشده است.

کتابنامه

۱. مصاحبه‌های طرح تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران
۲. آتابای، ابوالفتح؛ مصاحبه‌کننده: احمد قریشی، نیویورک، ۱۹۸۲.
۳. امینی، علی؛ مصاحبه‌کنندگان: سپهر ذبیح و هرمز حکمت، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۶.
۴. اردلان، ابوالفتح؛ مصاحبه‌کنندگان: فرشته نورایی و ولی‌رضا نصر، واشنگتن، ۹۸۲ و ۱۹۹۱.
۵. بهنام، جمشید؛ مصاحبه‌کننده: فرخ غفاری، پاریس، ۱۹۸۷.
۶. پهلوی، اشرف؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، نیویورک و ژوان لاپین فرانسه، می ۱۹۸۲ و اوت ۱۹۸۹.
۷. پهلوی، غلامرضا؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، لندن، آوریل ۱۹۹۰ و اوت ۱۹۹۱.
۸. جهانشاهی، غلامحسین؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، ژوان لاپین فرانسه، ۱۹۸۹.
۹. جندقی، مظفر؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، لس آنجلس، ۱۹۸۵.
۱۰. روحی، هما؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، مریلند، ۱۹۹۰.
۱۱. شاملو، مریم؛ مصاحبه‌کننده: شیرین سمیعی، پاریس، ۵-۱۹۸۴.
۱۲. عالی‌مرد، امین؛ مصاحبه‌کننده: غلامرضا افخمی، مریلند، ۱۹۹۱.
۱۳. عصار، نصیر؛ مصاحبه‌کننده: اردشیر آق اولی، واشنگتن، ۱۹۸۲.
۱۴. غفاری، عباس؛ مصاحبه‌کننده: فرخ غفاری، اریس، ۱۹۸۴.
۱۵. فرخان، هوشنگ؛ مصاحبه‌کننده: اردشیر آق اولی، واشنگتن، ۱۹۸۳.
۱۶. گرگین، ایرج؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، لس آنجلس، ۱۹۸۵.
۱۷. معتمدی، قاسم؛ مصاحبه‌کنندگان: احمد قریشی و سپهر ذبیح، موراگا و کالیفرنیا، ۱۹۸۳.
۱۸. مویدثابتی، پروین؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، موناکو، ۱۹۸۸.
۱۹. نصر، سیدحسین؛ مصاحبه‌کننده: حسین ضیایی، بوستون، ۱۹۸۳-۱۹۸۲.
۲۰. نویسی، یزدان؛ مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، لس آنجلس، ۱۹۸۵.

۲۱. همایون، داریوش؛ مصاحبه‌کننده: بهروز نیک ذات، واشنگتن، ۱۹۸۲.
۲۲. مصاحبه‌های دانشگاه هاروارد
۲۳. اقبال، خسرو؛ مصاحبه‌کننده: ضیاء صدقی، واشنگتن، ۱۹۸۵.
۲۴. الموتی، مصطفی؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، لندن، ۱۹۸۳.
۲۵. ایزدی، علی؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، پکس فرانسه، ۱۹۸۵.
۲۶. پژمان، عیسی؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، پاریس، ۱۹۸۳.
۲۷. جم، فریدون؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، لندن، ۱۹۸۱.
۲۸. حبیب‌اللهی، کمال؛ مصاحبه‌کننده: ضیاء صدقی، ویرجینیا، ۱۹۸۴.
۲۹. خسروانی، پرویز؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، لندن، ۱۹۸۳.
۳۰. دولتشاهی، مهرانگیز؛ مصاحبه‌کننده: شاهرخ مسکوب، پاریس، ۱۹۸۴.
۳۱. رامبد، هلاکو؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، نیس فرانسه، ۱۹۸۳.
۳۲. رمزی عطایی، عباس؛ مصاحبه‌کننده: شهلا حائری، شرمن اوکس امریکا، ۱۹۸۵.
۳۳. زاهدی، اردشیر؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، مونتروکس سوئیس، ۱۹۹۲.
۳۴. طوفانیان، حسن؛ مصاحبه‌کننده: ضیاء صدقی، واشنگتن، ۱۹۸۵.
۳۵. کامروز، بدری؛ مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی، ماساچوست، ۱۹۸۴.
۳۶. مجیدی، عبدالمجید؛ مصاحبه‌کننده: ضیاء صدقی، پاریس فرانسه، ۱۹۸۵.
۳۷. موسوی اصفهانی، موسی؛ مصاحبه‌کننده: شهلا حائری، سانتامونیکا - کالیفرنیا، ۱۹۸۵.
۳۸. هاشمی‌نژاد، محسن؛ مصاحبه‌کننده: ضیاء صدقی، واشنگتن، ۱۹۸۵.
۳۹. همایون، داریوش؛ مصاحبه‌کننده: جان مزدهی، واشنگتن، ۱۹۸۲.
۴۰. خاشعی، رضا، سفر به آینده؛ آینده پژوهی، مفاهیم، مبانی و مفاهیم، تهران، هنر رسانه، ۱۳۹۰.
۴۱. ذکایی، محمدسعید، هنر انجام پژوهش کیفی (از مسئله‌یابی تا نگارش)، تهران، نشر آگاه، چ اول، ۱۳۹۹.

انقلاب اسلامی به روایت تاریخ شفاهی کارگزاران حکومت پهلوی دوم..... ۳۷۳

۴۲. قانعی فرد، عرفان، **دردامگه حادثه** (گفت‌وگو با پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک)، لس آنجلس، شرکت کتاب، چ اول، ۲۰۱۲.

۴۳. ملایی توانی، علیرضا، **درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ**، تهران، نشر نی، چ ششم، ۱۳۹۲.

۴۴. نورائی، مرتضی و مهدی ابوالحسنی ترقی، **تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ نگاری معاصر ایران (۱۳۵۸ - ۱۳۸۵)**، چ اول، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۴.

۴۵. هویدا، فریدون، **سقوط شاه**، ترجمه ح. ا. مهران، تهران، انتشارات اطلاعات، چ چهارم، ۱۳۷۰.

مقالات

۱. جاویدی، رقیه و بهروزی لک، **غلامرضا**، «تحلیل مضمون محتوای مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال نوزدهم، شماره ۷۵، ۱۳۹۲.

۲. سلیمانی، مرضیه، **روش‌ها و ارزش‌های تاریخ شفاهی**، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۶، ۱۳۹۲.

۳. شیخ زاده، محمد، «الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی»، **دوفصلنامه تخصصی اسلام و مدیریت**، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۲.

۴. عابدی جعفری، حسن و دیگران، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین»، **اندیشه مدیریت راهبردی**، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۰.

۵. مرادی‌پور، حجت‌الله و نوروزیان، مهدی، «آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها»، **فصلنامه رهیافت**، ۱۳۸۴.